



# خاندان و تبار ابن اُصیبَعَه

برداشت از کتاب

عیون الأبناء فی طبقات الأطباء، ابن اُصیبَعَه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵-۶۶۸ ق / ۱۱۹۹-۱۲۷۰م)، انجمن گیاهدرمانی، انتشارات زعیم، ۱۳۹۳خ.

پژوهش و برگردان به پارسی

محمد ابراهیم ذاکر

۱	.....	خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون الأنباء
۱	.....	تبارنامه
۲	.....	آموزگاران عموم رشیدالدین علی فرزند خلیفه
۳	.....	دربار ایوبیان در شام و مصر
۸	.....	اجازه‌نامه صدرالدین حموی به رشیدالدین برای پوشیدن خرقة صوفیانه
۹	.....	نامه صدرالدین ابن حمویه
۱۲	.....	آموزگاران
۱۲	.....	افضل الدین ابوالمجد محمد فرزند ابوحکم، عبیدالله فرزند مظفر فرزند عبدالله باهلی (سده ۵۷هـ)
۱۲	.....	موفق الدین یعقوب فرزند سقلاب [نصرانی] (د: ۶۲۵ ق / ۱۲۲۷م)
۱۳	.....	رضی الدین رحبی (۵۳۴ - ۶۳۱ ق / ۱۱۳۹ - ۱۲۳۳م)
۱۴	.....	مهدب الدین دخوار عبدالرحیم فرزند علی (د: ۶۲۸ ق / ۱۲۳۱م)
۱۵	.....	آموزش پزشکی ابن ابی اصیبعه در دامان مهدب الدین دخوار
۱۷	.....	شیخ سدید فرزند ابوالبیان اسرایلی (ز: ۶۳۰ ق / ۱۲۳۳م)
۱۹	.....	نگاشته‌های ابن ابی اصیبعه
۱۹	.....	عیون الأنباء في طبقات الأطباء
۱۹	.....	إصابات المنجمين
۱۹	.....	حکایات الأطباء في علاجات الأدوية
۲۰	.....	التجارب و الفوائد
۲۰	.....	معالم الأمم و أخبار ذوی الحکم
۲۲	.....	کتاب‌نامه
۲۲	.....	نمایه کتاب و مقاله

## خاندان و تبار ابن ابی اصیبه از عیون الأنباء

### تبارنامه

ابن ابی اصیبه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزرجی از پزشکان نامدار سده هفتم هجرت به شمار می آید. او در سال های ۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م زندگی می کرد.<sup>۱</sup>

ابن ابی اصیبه در دمشق زاده شد و در آن جا بالید. پدربزرگش خلیفه فرزند یونس، از نزدیکان دربار صلاح الدین ایوبی بود.<sup>۲</sup> **دو فرزند خلیفه:** یکی قاسم است که پدر ابن ابی اصیبه به شمار می آید و دیگری رشیدالدین ابوالحسن علی عمویش، از پزشکان به نام بیمارستان ناصری و از خدمتگزاران حکومت ایوبی بوده اند.

**ابن ابی اصیبه گوید:** رشیدالدین ابوالحسن علی (۵۷۹ - ۶۱۶ ق / ۱۱۸۳ - ۱۲۱۹ م) فرزند خلیفه فرزند یونس فرزند ابوالقاسم فرزند خلیفه از قبیله خزرج<sup>۳</sup> بود و از تبار سعد فرزند عباده<sup>۴</sup> بود که در حلب به دنیا آمد و در همان جا بالید و به آموزش پرداخت.

پدرم در سال ۵۷۵ ق / ۱۱۷۹ م در قاهره - معزیه چشم به جهان گشود که چهار سال پیش تر از او بود.

<sup>۱</sup> سال زاده شدن و درگذشت ابن ابی اصیبه در قاموس الأعلام خیرالدین زرکلی بدین گونه بازگو شده است: ۵۹۶ - ۶۶۸ ق / ۱۲۰۰ - ۱۲۷۰ م (أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸)

<sup>۲</sup> عیون الأنباء، ابن اصیبه، احمد، پژوهش امرؤالقیس، بیروت، ۱۳۷۶ ق، ج ۳، ۴۰۲ - ۴۰۸؛ برگردان ذاکر، ج ۳، ۱۲۳۱ - ۱۲۳۷.

<sup>۳</sup> خزرج: خاندانی یمنی هستند که نام این ایل همیشه با نام ایل اوس با هم می آید این دو ایل هم ریشه و تبار هستند. ایشان پس از نابودی سد مارب به وسیله سیل دهشتناک، جنوب شبه جزیره عرب به مدینه کوچ کردند و تا در خیبر و تیماء پراکنده شدند و به همراه اوسیان بر علیه قریش به یاری پیامبر (ص) برخاستند و به اسلام گردویدند آن ها توانایی آواخوانی حرف جیم را نداشتند و به سختی آن را تلفظ می کردند و پس از مدتی که به مصر کوچ کردند، گویش آن ها در مصر پراکنده شد.

<sup>۴</sup> سعد فرزند عباده یکی از یاران پیامبر (ص) از قبیله خزرج بود که پس از جنگ احد زخم های پیامبر را پانسمان کرد و در اوران به سال ۱۵ ق / ۶۳۶ م از دنیا رفت.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبه از عیون  
الأنباء

پدربزرگم - خدایش بیامرزاد- همت والایی داشت و دل‌بسته دانش و دانشمندان بود و دستی در دانش‌ها داشت و به ابن‌ابی‌اصیبعه شناخته می‌شد و زمانی که ملک ناصر صلاح‌الدین یوسف فرزند ایوب مصر را گرفت، او به مصر آمد و به خدمت او و فرزندانش درآمد.

از آن جا که پدربزرگم سالیان دراز در دمشق می‌زیست و در آن بالید، دوستانی زیاد در دمشق داشت که برخی از دوستان و آشنایان دمشقی پدربزرگم، جمال‌الدین ابوالحوافر طیب و شهاب‌الدین ابوحجاج یوسف کحال بودند. هنگامی که پدرم و عمویم در سن بالیدن بودند که پدربزرگم در مصر با جمال‌الدین ابوالحوافر طیب و شهاب‌الدین ابوحجاج یوسف کحال یک جا گرد آمدند، او از آن‌ها خواست که به این دو دانش پزشکی را بیاموزند، چون ارزش و برتری دانش پزشکی و نیاز فراوان مردم به آن را می‌دانست و این که هرکس که به شرایط آن پاییند باشد در دنیا بزرگی یابد و از دنیا بهره مند شود و در آخرت هم مرتبت بالایی به دست خواهد آورد.

پدر و عمویم را واداشت تا در خدمت این دو استاد شوند و از آن دو بهره برند. پدرم همراه ابوحجاج یوسف کحال شد و به چشم‌پزشکی پرداخت و در کنار او دست به درمان زد. ابوحجاج در بیمارستانی در قاهره به چشم‌پزشکی می‌پرداخت؛ البته این بیمارستان امروزی در جایی جز از جایگاه پیشین آن در قاهره بود و آن بخشی از کاخ بود. بیمارستان پیشین در سقطین در بخش پایین قاهره بود و پدربزرگم در کنار آن زندگی می‌کرد. پدرم تا زمانی که به کارآموزگی برسد، پیوسته همراه ابوحجاج یوسف کحال بود و هم‌چنین نزد آموزگاران بزرگ پزشکی آن زمان مصر مانند رییس موسی قرطبی که کتاب‌های بی‌شمار و پرآوازه داشت و همگنان او درس خواند.

### آموزگاران عمویم رشیدالدین علی فرزند خلیفه

عمویم همراه جمال‌الدین ابن‌ابی‌حوافر بود و در زیر دست او به انجام کارهای پزشکی می‌پرداخت. نخستین آموزگار عمویم تقی معلم، ابوتقی صالح فرزند احمد ابراهیم فرزند حسن فرزند سلیمان عرشی مقدسی بود. او دانش‌های زیادی را می‌دانست و روشی نیکو در آموزش کتاب‌ها داشت که هیچ کسی جز از او نمی‌توانست از عهده آن برآید. هنگامی که عمویم - خدایش بیامرزاد - قرآن را از برکرد و دانش حساب را نزد تقی معلم به پایان رساند، فراگیری و پژوهش دانش پزشکی را نزد جمال‌الدین ابن‌ابی‌حوافر طیب مهتر پزشکان مصر آغاز کرد و بخشی از کتاب‌های شانزده‌گانه جالینوس

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء

را پیش او خواند و کتاب‌های پایه آن را در زودترین زمان از برکرد که در این زمان ملک عزیر عثمان بن عبدالملک ناصر صلاح‌الدین فرمانروای مصر بود. سپس به گفتگو با پزشکان و رفتن سربالین بیماران و شناخت بیماری‌ها و شنیدن گزاره پزشکان بزرگ در باره بیماری‌ها روی آورد. پس از آن بخواندن دانش چشم‌پزشکی روی آورد و به شاگردی قاضی نفیس‌الدین زبیر درآمد که در آن زمان مهتر بخش چشم‌پزشکی بیمارستان بود و به کارهای درمانی چشم‌پزشکی پرداخت. هم‌چنین در بیمارستان همراه به او کارهای کاردپزشکی این هنر روی آورد.

هم‌چنین عمویم نزد موفق‌الدین عبداللطیف فرزند یوسف بغدادی که دوستی دیرینه و ژرفی با پدر بزرگم داشت و در همان هنگام در قاهره بود، به فراگیری عربی و حکمت پرداخت و کتاب‌هایی از ارسطو پیش او خواند و پیچیدگی‌های آن را بررسی کرد.

هم‌چنین وی نزد سدیدالدین که در دانش‌های حکمت اندیشمند زمانه بود به فراگیری دانش پرداخت و پیش از آن نیز دانش اخترشناسی را نزد ابومحمد فرزند جعدی استاد دانش‌های اخترینی می‌آموخت که او در شناخت آن و پیش‌گویی و پیش‌بینی‌هایش بسیار ورزیده و کاردان بود. وی توانست با دربار خلیفگان مصری پیوندی ایجاد کند و از مرتبتی ویژه نزدشان برخوردار شود.

او دانش موسیقی را نزد ابن‌دیجور مصری و صفی‌الدین ابوعلی فرزند تباران فراگرفت.

هم‌چنین پس از آن به نزد بزرگانی از آگاهان به آوازخوانی رفت، مانند: بهاء‌مصلح کبیر و شهاب‌الدین نقجونی و شجاع‌الدین فرزند حسن بغدادی و دانشمندانی همگن ایشان، بسیاری از آوازهای عربی و پارسی را فراگرفت.

### دربار ایوبیان در شام و مصر

ملک معظم عیسی فرزند ملک عادل ابوبکر فرزند ایوب در روز آدینه پانزدهم ماه رمضان سال ۶۰۵ ق [دوشنبه سی‌ام مارچ ۱۲۰۹ م] او را فراخواند و سخنش را شنید و جایگاهی نیکو در نزدش و بخشش و پاداش به او داد و دستور داد تا در خدمتش باشد که با نظر شاه داستان عقب افتاد.

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبه از عیون  
الأنباء

ذکر  
دکتر محمد ابراهیم

روزگاری پس از آن، فرمانروای بعلبک ملک امجد مجدالدین بهرام شاه فرزند عزالدین فرخ‌شاه فرزند شاهان شاه فرزند ایوب، چون از زمان پدرش، درباره پدر بزرگم شنیده بود و او را می‌شناخت، پیکی را فرستاد، او و پدر بزرگم را فراخواند. زمانی که آن دو به او رسیدند، به دیدارش رفتند. شاه جایگاهی والا همراه با پیشکش‌ها و ماهیانه به ایشان داد.

عموم رشیدالدین علی فرزند خلیفه نزد او جایگاهی خوب پیدا کرد به گونه‌ای که کمتر از او جدا می‌شد و زمانی که آگاهی و ورزیدگی عموم را در دانش حساب دید، از او خواست که گوشه‌ای از این دانش را به او بنمایاند و او پذیرفت و انجام داد. کتابی در دانش حساب در برگرفته چهار مقاله برایش نوشت.

سلیطه کنیزک ملک عادل ابوبکر فرزند ایوب در سال ۶۰۹ ق [۱۲۱۳ م] دچار چشم درد شد. شاه او را خیلی گرامی می‌داشت، بیماری چشمانش بیشتر شد به گونه‌ای که داشت می‌مرد و از او نومید شده بودند و بزرگانی از پزشکان و چشم‌پزشکان بر سر بالین او آمدند، همگان از درمانش درمانده شدند و بر کور شدن او هم‌آوا بودند و درمانشان هیچ سودی نداشت. زمانی که پدرم او را دید و چشمان دردناکش را بررسی کرد، سپس به درمان آن اقدام نمود.

ملک معظم فرمانروای پس از او در دمشق بود که دستور داد همچنان به خدمتش ادامه دهد و او نیز مانند پدرش و یا بیشتر، او را باور داشت. ملک معظم را از آغاز ماه صفر سال ۶۱۰ ق [شنبه بیست و نهم ژوئن ۱۲۱۳ م] خدمت کرد و تا زمان درگذشت ملک معظم - خدایش بیامرزاد - پیوسته در خدمتش بود.

ملک ناصر داود فرزند ملک معظم دستور داد که او به خدمتش ادامه دهد و به او همان اندازه دوران پدرش ماهیانه داد. او با ملک ناصر بود تا این که ملک ناصر خواست به کرک برود، ولی پدرم در دمشق ماند و برای خدمت خانه‌های شاهی به شاه‌زادگان ملک عادل و دیگر فرمانروایان دمشق در دژ دمشق رفت و آمد می‌کرد، همه آن‌ها او را و درمان‌هایش را باور داشتند و به او بخشش و پاداش و ماهیانه می‌دادند. هم‌چنین به بیمارستان نورالدین کبیر نیز رفت و آمد.

او بیماری‌هایی را که درمان آن با نیاز به تیغ‌کاردپزشک داشت را به بهترین شیوه درمان می‌کرد و برخی از بیماری‌ها را با داروها درمان می‌نمود و تندرستی را به ایشان بازمی‌گرداند و بیماران را از تیغ‌بی‌نیاز می‌ساخت.

جالینوس این شیوه درمانی را در کتاب فی محنه الطیب الفاضل ستوده است.

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبه از عیون  
الأنباء

**گوید:** پزشکی دیدم که بیماری‌هایی که درمانگران با تیغ کاردپزشکی و با بریدن اندام به انجام می‌رساند با دارو بهبود می‌بخشید که نشان دهنده دانش و ورزشدگی و کارآزمودگی او بود.

هم‌چنین گوید: من درمانگری که بیماری‌های چشم را مانند: ظفره<sup>۱</sup> و جرب<sup>۲</sup> و سردی و آب‌آوردن و خشکی و موی فرورفته در چشم و زیادی گوشت در گوشه چشم و یا کمبود گوشت در آن جا را با داروهای چشمی درمان کند را می‌ستایم و نیز کسی را که ماده گرد آمده در چشم را به تندی از میان می‌برد و یا لایه‌ای که به آن عنبیه گفته می‌شود، اگر بیرون زده باشد را به جایگاهش بازگرداند تا این که به هم بچسبد و یا کارهای دیگری از این گونه او در درمان چشم، بی‌کاربرد تیغ انجام دهد را می‌ستایم. متن گفته‌های جالینوس بدین گونه بود.

هم‌چنین بسیاری از بیماری‌ها را دیدم که پزشکان از درمان آن‌ها نومید شده بودند، برای درمان نزد پدرم آمده بودند و او آن‌ها را درمان کرد و بهبود یافتند.

پدرم - خدایش بیامرزد - تا زمان مرگش پیوسته برای ارابه خدمت به دژ دمشق و بیمارستان بزرگ نوری رفت و آمد می‌کرد تا چشم از جهان فروبست.

او در شب پنج‌شنبه بیست و دوم ربیع دوم سال ۶۴۹ق [آدینه بیست و یکم ژولای ۱۲۵۱م] درگذشت و در پشت دروازه فردیس [باب الفردیس] در راه کوه قاسیون به خاک سپرده شد و آن در زمان ملک ناصر یوسف فرزند محمد حاکم دمشق روی داد. هنگامی که عمویم رشیدالدین علی فرزند خلیفه نزد ملک امجد بود، ملک معظم برای یاری ملک امجد در زمان درگیری اش با اسبتار به بعلبک آمد و عمویم هم در گردهمایی‌هایشان می‌آمد و در آن زمان کسی به اندازه او دانش موسیقی و نواختن عود

<sup>۱</sup> ظَفْرَه: (ناخونك چشم): پرده‌ای است که از جای ماق یا گوشه چشم در بخش بالای بینی آشکار می‌شود، و روی سفیدی چشم را تا سیاهی آن را می‌پوشاند (مفاتیح، ۱۵۵). ظفره: *Pterygium* ناخنة چشم - ناخنك. (تطبیق فرهنگ، ۷۵)

آن از افزایش بافت‌های گوشه چشم پدید می‌آید که چه بسا سراسر چشم را نیز فرامی‌گیرد که باید آن را با نرمی بردارند. (فردوس، ع، ۱۶۲)

<sup>۲</sup> جرب العين: جَرَبُ الْأَجْفَانِ: *Granulation of eyelids; trachoma; glandular conjunctivitis* (قاموس). تراخم، گری پلک چشم که امروزه آن را به نام تراخم چشم می‌شناسند. گری در چشم اگر پدید آید خشونت و سرخی در باطن پلک پیدا می‌شود. (مفتاح، ۲۶۶)

را نمی‌دانست و کسی آوایی بهتر از او نداشت به گونه‌ای که هر کس آوای او را می‌شنید، دگرگون می‌شد، مانند داستانی از ابونصر فارابی در این زمینه یاد می‌کنند.

ملک معظم خیلی از کار او شگفت‌زده شد و پس از آن او را پیش خود فرامی‌خواند و آغاز خدمتش نزد او ماه جمادی یکم سال ۶۱۰ ق [سپتامبر ۱۲۱۳ م] بود که به او جامه ویژه پزشکی و ماهیانه داد و پیوسته به او می‌رسید و کمتر از او جدا می‌شد و هنر پزشکیش را باور داشت. هم‌چنین ملک کامل محمد و ملک اشرف بر دانش او تکیه داشتند. اگر یکی از آن دو به نزد برادرش ملک معظم می‌آمد، او هم‌چنان در انجمنشان می‌ماند. او از هر دو نیز بخشش‌های فراوان به دست‌آورد. یاد دارم! روزی ملک کامل به دیدار برادرش ملک معظم آمد و عمومیم نیز در کنارشان بود. نشست آنان دوستانه و ویژه بود. ملک کامل در آن شب خلعتی کامل و پانصد دینار مصری به او بخشید.

هنگامی که ملک معظم در دمشق بود او را نامزد منشی‌گری لشگر کرد و اصرار کرد که آن را بپذیرد و او به ناچار پذیرفت و در دیوان نشست و پیش او گروهی از مردم و بزرگان می‌آمدند. او روزگاری را به منشی‌گری گذراند و پس از مدتی دید که تمام وقتش به حساب و کتاب می‌گذرد. هیچ وقتی برای خودش و برای پژوهش در دانش‌های عقلی و غیر عقلی [نقلی] نمی‌ماند؛ بنابراین، از شاه خواست که او را از این کار بازدارد و گروهی از خواص پادرمیانی کردند تا این که شاه، او را از این کار کنار گذاشت.

ملک معظم در سال ۶۱۱ ق [آوریل ۱۲۱۵ م] به حج رفت و عمومیم را نیز به همراه خود برد و پیوسته در خدمت او بود تا این که دوره عمومیم در نیمه ماه شعبان سال ۶۱۴ ق [آدینه بیست و چهارم نوامبر ۱۲۱۷ م] به پایان رسید و این هم‌زمان با پیشروی فرنگیان به سوی مرزهای ایوبیان شد.

شاه بزرگ ملک عادل و فرزندش ملک معظم برای رویارویی با فرنگیان دیدگاه‌های متفاوتی با یکدیگر پیدا کردند.

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء



عمویم رشیدالدین علی فرزند خلیفه برای همنشینی با ملک عادل به سوی دمشق رهسپار شد و ملک معظم به سوی نابلس روانه گردید. پس از مدتی عمویم در کنار ملک ناصر داود فرزند ملک معظم از دمشق بیرون آمد. زمانی که به منطقه عجلون<sup>۱</sup> رسیدند. شاه دستور بازگشت فرزندش را داد. آنان بازگشتند.

عمویم در آن سفر بیمار شد و تا پایان سال بیماریش به درازا کشیده شد و چون دید، رفتن برایش زیان دارد و نیز گرایش به تنهایی و خواندن کتاب و پژوهش داشت و از سوی دیگر چون ملک عادل بوبکر فرزند ایوب گذشته کاری و رفتاری او را شنیده بود؛ بنابراین، در پنجم محرم سال ۶۱۵ ق [سه‌شنبه دهم آپریل ۱۲۱۸ م] از او خواست، سرپرستی دو بیمارستان بزرگ دمشق را که ملک عادل نورالدین محمود بن زنگی وقف کرده بود، بپذیرد. او به هر دو بیمارستان و دژ دمشق رفت و آمد داشت و برای او جامعه ویژه پزشکی و ماهیانه گذاشت و هم‌چنین است شام» خواهر ملک عادل برای او جامعه ویژه پزشکی و ماهیانه گذاشت و عمویم به خانه او رفت و آمد می‌کرد.

هنگامی که در دمشق بود، کلاس درس فراگیر برای آموزش پزشکی گذاشت و گروهی بسیار در درسش شرکت داشتند همگی در دانش پزشکی برجسته و شناخته شدند.

او در این زمان دانش شکل‌شناسی جهان [هیأت و نجوم] را در نشست‌هایی با دانشمند بزرگ زمانه در دانش‌های زیر گروه ریاضی، علم‌الدین قیصر فرزند ابوالقاسم فرزند عبدالغنی خواند و به زودی آن را خوب فراگرفت و روزی علم‌الدین پیشش بود و او اشکالی را در دانش شکل‌شناسی جهان به او نشان داد و من می‌شنیدم که به او گفت: ای رشیدالدین! به خدا سوگند! این چیزی که تو در مدت یک ماه آموختی، دیگران با تلاش شبانه‌روزی در پنج سال فرامی‌گیرند.

<sup>۱</sup> عجلون: یکی از شهرهای آموریان در یهوداست که اکنون عجلان گویند و آن تپه‌ای است به اندازه ده میل در شمال خاوری غزه واقع شده است (لغت‌نامه از قاموس کتاب مقدس). روستایی در فلسطین و در نزدیکی دژی که اسامه یکی از امیران صلاح‌الدین ساخت.

### اجازه‌نامه صدرالدین حموی به رشیدالدین برای پوشیدن خرقة صوفیانه

عموم رشیدالدین علی فرزند خلیفه در بیستم ماه رمضان سال ۶۱۵ ق [دوشنبه هفدهم دسامبر ۱۲۱۸] در دمشق با دانشمند بزرگ و پیشوای جهانی صدرالدین ابن حمویه<sup>۱</sup> نشست‌هایی داشت و او خرقة صوفیان برتنش پوشاند و نامه‌ای به همراه خرقة برایش نوشت.

<sup>۱</sup> صدرالدین حمویه فرزند صدرالدین ابراهیم فرزند سعدالدین ابوابراهیم محمد (۵۸۶ - ۶۵۰ ق / ۱۱۹۰ - ۱۲۵۲ م) نویسنده کتاب سجنل الأرواح، سکینه الصالحین و محبوب الأولیاء فرزند ابوالمفاخر معین‌الدین مؤید (د: ۶۰۵ ق / ۱۲۰۸ م) فرزند عبدالله فرزند ابوالحسن علی (جمادی دوم، ۵۳۹ ق / دسامبر ۱۱۴۴ م) فرزند ابوعبدالله محمد (محرّم ۴۹۹ - یکم ربیع یکم ۵۳۰ / مارچ ۱۰۵۶ - شانزدهم دسامبر ۱۱۳۵) فرزند حمویه فرزند محمد فرزند حمویه بحر / بحیرآبادی جوینی است. شناخت بیشتر خاندان بزرگ حمویه را از منابع زیر بجویید:

*1. Jamal J. Elias, "The Sufi Lords of Bahrabad: Sad al-Din and Sadr al-Din Hamuwayi," Iranian Studies, 27 i. iv (1994, 1995), pp, 53 – 75.*

احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، عبدالاول نیشابوری، به کوشش عارف نوشاهی، تهران، ۱۳۸۰ خ.

انتقاد کتاب کشف الحقائق، محمدتقی دانش‌پژوه، فرهنگ ایران‌زمین، ج ۱۳، تهران، ۱۳۴۴ خ.

تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، شمس‌الدین محمد فرزند احمد ذهبی، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م.

تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۸۱ خ.

تاریخ نیشابور، ابوعبدالله حاکم نیشابوری، برگردان محمد فرزند حسین خلیفه نیشابوری، حسن فرزند عمر فرزند حسن فرزند عمر فرزند حبیب، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۷۵ خ.

التحییر فی المعجم الکبیر، ابوسعید عبدالکریم سمعانی، به کوشش منیره ناجی سالم، بغداد، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م.

تذکره النبیه فی ایام المنصور و بنیه، به کوشش محمد محمدمین، قاهره، ۱۹۸۲ م.

چهل مجلس؛ یا رساله اقبالیه، احمد فرزند محمد بیابانکی علاءالدوله سمنانی، امیر اقبال شاه فرزند سابق سجستانی، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۶۶ خ.

خاندان سعدالدین حمویه، سعید نفیسی، کنجاوی‌های علمی و ادبی، تهران ۱۳۲۹ خ.

## نامه صدرالدین ابن حمویه

## بسم الله الرحمن الرحيم

سید بزرگ، پیشوای جهان، دانشمند، شیخ شیوخ، صدرالدین، حجت اسلام، و شناخته شده یگانه پرستان، ابوالحسن محمد فرزند پیشوای بزرگ، دانشمند، شیخ شیوخ عمادالدین ابوالحفص عمر فرزند ابوالحسن فرزند محمد فرزند حمویه - خداوند تأییداتش را ادامه دهد - خرقه صوفیان بر مریدش علی فرزند خلیفه فرزند یونس خزرگی دمشقی - خداوند او را در پیروی و

الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، ابن حجر عسقلانی، احمد فرزند حجر، به كوشش محمد سيد جادالحق، قاهره، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م. دنباله جستجو در تصوف ایران، عبدالحسين زرین کوب، تهران، ۱۳۸۵ خ.

سکینه الصالحين، سعدالدین حمویه (۵۸۶ - ۶۴۹ ق)، به كوشش محمد كاظم رحمتی

الصله بين التصوف و التشيع: النزعات الصوفية في التشيع من بعد عصر الأئمة حتى سقوط الدولة الصفوية، كامل مصطفى شيبی، بیروت، ۱۹۸۲ م.

طبقات الشافعيه الكبرى، عبدالوهاب فرزند علی سبکی، به كوشش محمد حلو و محمد طناحی، قاهره، ۱۹۷۱ م.

طبقات الشافعيه، عبدالرحيم اسنوی، به كوشش كمال يوسف حوت، بیروت، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م؛

فهرست دانشگاه تهران، ج ۹، صص ۷۸۰ - ۸۰۳.

کاشف الأسرار، عبدالرحمان اسفزاری، به كوشش هرمان لندولت، تهران، ۱۳۵۸ خ.

مصباح في التصوف، سعدالدین حمویه، به كوشش نجيب مايل هروی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۶۲ خ؛

مقاله «سکینه الصالحين تالیف سعدالدین حمویه (۵۸۶ - ۶۴۹ ق)»، محمد كاظم رحمتی.

مؤلفات ابن عربي: تأريخها و تصنفها، عثمان يحيی، برگردان احمد محمد طيب، دار الصابوني، دار الهدايه، ۱۴۱۳ ق / ۲۰۰۲ م.

نذر عارف (جشن نامه دکتر عارف نوشاهی)، به كوشش سعيد شفيعيون - بهروز ايماني، كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۱ خ.

نسخه های اصل از سده نهم هجری، مریم تفضلی.

نفحات الأنس من القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، به كوشش محمود عابدي، تهران، ۱۳۷۳ خ.

الوافي بالوفيات، صلاح الدين خليل فرزند ابيك صفدي، به كوشش ديدرينگ، وسپادن، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۷۰ م.

خاندان و تبار ابن ابی اصيبعه از عيون  
الأنبياء

فرمانبری پیروز گرداناد - پوشانید و او را آگاه کرد که آن را از پدرش عمادالدین - خدایش بیامرزاد - گرفته است و او آن را از پدرش شیخ الاسلام معینالدین ابو عبدالله محمد فرزند حمویه - خدایش بیامرزاد - گرفته است و او آن را از خضر<sup>۱</sup> (ع) و خضر از پیامبر خدا (ص) گرفته است.

همچنین پدر بزرگش آن را از ابوعلی فارندی طوسی گرفته است و فارندی آن را از آموزگار زمانش ابوالقاسم گرگانی گرفته است و ابوالقاسم آن را از پیشوا ابو عثمان مغربی گرفته است و ابو عثمان آن را از شیخ حرم ابو عمرو زجاجی گرفته است و زجاجی آن را از بزرگ امت جنید<sup>۲</sup> فرزند محمد گرفته است و جنید آن را از دایی اش سری سقطی<sup>۳</sup> و او از معروف کرخی<sup>۴</sup> و او از امام علی فرزند موسی الرضا (ع) گرفته است که با او هم نشینی داشت و در دامان او پرورش یافت و به او خدمت کرد و امام علی (ع) از پدرش امام موسی کاظم فرزند جعفر (ع) و او از پدرش امام جعفر صادق فرزند محمد (ع) و او از پدرش امام محمد باقر فرزند علی (ع) و او از پدرش امام علی زین العابدین فرزند حسین (ع) و او از پدرش امام علی بن ابیطالب (ع) گرفت و امام علی (ع) آن را از آقای پیامبران و پیشوای پرهیزکاران پیامبر ما محمد (ص) - بر او بهترین سلام و صلوات باد - گرفت.

<sup>۱</sup> خضر: یکی از پیامبرانی که موسی (ع) را راهنمایی کرد و نزد صوفیان جایگاه ویژه‌ای دارد و برخی از مسیحیان اسم قدیس جرجس / جرجیس یا پیامبر ایلیا را بر او گذاشته‌اند.

<sup>۲</sup> جنید فرزند زاهد بغدادی، ابوالقاسم جنید فرزند محمد فرزند جنید بغدادی خزاز صوفی (د: ۲۹۷ق / ۹۱۰م) که در بغداد به دنیا آمد و در همان جا درگذشت. تبار پدرش از نهانوند است (اعلام زرکلی، ج ۲، ۱۳۶). او به شیخ طایفه یا رهبر جندیه و طاوس العلما شناخته می‌شود. او در سال ۲۹۷ق / ۹۱۰م درگذشت.

<sup>۳</sup> سری سقطی ابوالحسن فرزند مغلس (د: ۲۴۶ق / ۸۶۰م): او در بغداد چشم به جهان گشود و در همان جا درگذشت. وی از رهبران صوفیان و آموزگار و دایی جنید است که معتقد به خلق حرف‌های قران بود و و این که دوستان در بهشت میان پیروان موسی (ع) و عیسی (ع) و محمد (ص) پراکنده خواهند بود (اعلام زرکلی، ج ۳، ۱۲۹).

<sup>۴</sup> معروف کرخی فرزند فیروز با کنیت ابو محفوظ (د: ۲۰۰ق / ۸۱۵م) است. او صوفی وارسته و بلندآوازه در بغداد بود و از آزادشدگان امام رضا (ع) است (اعلام زرکلی، ج ۸، ۱۸۵). آرامگاهش زیارتگاه عموم است. او آموزگار سری سقطی بود.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنباء

دکتر محمد ابراهیم  
ذکر

هم چنین معروف [کرخی] آن را از داود طایی و او از حبیب عجمی و او از بزرگ تابعین حسن بصری<sup>۱</sup> که او از امام علی (ع) و او از فرستاده خدا محمد (ص) گرفته است.

خرقه پوشی اش - خدا برکات آن را بر او و کسانی که به آن مشرف شده اند بیشتر برگرداند - در بیستم ماه رمضان سال ۶۱۵ ق [دوشنبه هفدهم دسامبر ۱۲۱۸] در دمشق پایتخت انجام شد.

هم چنین میان سطرها به خط صدرالدین شیخ شیوخ، چنین نوشته شده بود: خرقه را به یاد شده - خداوند پیروزش دارد - پوشاندم.

ابن حمویه ابوالحسن فرزند عمر فرزند ابوالحسن فرزند محمد در ماه رمضان سال ۶۱۵ ق [دسامبر ۱۲۱۸ م] نامه را با سپاسگزاری از خدا و سلام و درود بر پیامبرش و آمرزش خواهی از گناهانش نوشت.

نامه ای از ملک صالح اسماعیل فرزند ملک عادل به خط خودش در سال ۶۱۶ ق [۱۲۱۹ م] به عمویم رسید که از او خواسته بود که تا برای درمان مادرش و دیگر بیماران نزد او به شهر بصری<sup>۲</sup> بیاید و بازگردد. گویا در آن زمان بیماری وبای سختی در بصری فراگیر شده بود. عمویم به آن جا رفت و مادرش را درمان کرد که در مدت کوتاهی بهبود یافت و زر و خلعتی به او پیشکش کردند.

عمویم دچار تب سختی شد و بی درنگ به دمشق بازگشت و پیوسته این بیماری افزایش می یافت و بزرگان پزشکان و مهترانشان بر بالینش آمدند تا زندگی اش به پایان رسید و در ساعت دو روز دوشنبه هفدهم شعبان سال ۶۱۶ ق [چهارم نوامبر

<sup>۱</sup> حسن بصری فرزند یسار تابعی با کنیت ابوسعید (۲۱ - ۱۱۰ ق / ۶۴۲ - ۷۲۸ م). او در مدینه به دنیا آمد و در همان جا درگذشت. او در بصره ساکن شد و پارسایی و زهد و فرهنگ او اثر شگرفی در حرکت دینی در اسلام داشت. بصری گفتگوهایی با حجاج فرزند یوسف داشته است (اعلام زرکلی، ج ۲، ۲۴۲).

<sup>۲</sup> بصری: نام دو شهر است یکی شهری در حوران از کارگزاری دمشق است که آثار تاریخی بزرگی در آن جا هست که نشانگر تمدن بزرگی در گذشته بود و آن نخستین شهری است که عربان در شام به دست خالد فرزند ولید گشودند و دیگری دیهی از بغداد نزدیک عکبرا است (معجم البلدان، ج ۱، بخش دوم، ۵۶۵ - ۵۶۶).

۱۲۱۹ م] با سی و هشت سال زیستن، چشم از جهان فروبست و در پشت دروازه فرادیس [باب الفرادیس] در کنار گور پدر و برادرش به خاک سپرده شد.

## آموزگاران

موفق‌الدین به آموختن ادبیات و پیش‌درآمد دانش پزشکی و چشم‌پزشکی نزد پدر و عمویش پرداخت و پس از آن نزد آموزگارانی، مانند رضی‌الدین رحبی (۵۳۴ - ۶۳۱ ق)، ابن‌بیطار و مهذب‌الدین دحوار عبدالرحیم فرزند علی دحوار<sup>۱</sup>، یعقوب بن صقلاب<sup>۲</sup> و ابوالمجد فرزند ابوحکم باهلی<sup>۳</sup> آموخته‌های پزشکی خود را تکمیل کرد.<sup>۴</sup> وی از سال‌های شاگردی خود در دامان ابن‌بیطار و دحوار به نیکی یاد می‌کند.

**افضل‌الدین ابوالمجد محمد فرزند ابوحکم، عبیدالله فرزند مظفر فرزند عبدالله باهلی (سده ۷هـ)**

**موفق‌الدین یعقوب فرزند سقلاب [نصرانی] (د: ۶۲۵ ق / ۱۲۲۷ م)**

**ابن‌ابی‌اصیبعه گوید:** هنگامی در اردوگاه معظمی خدمت می‌کردم و پدرم نیز در خدمت ملک معظم - خدایش بیامرزاد - بود، و نیز آغاز کار پزشکی ام بود، نزدش برخی از نوشته‌های بقراط را به گونه‌ی روخوانی و از برخوانی برایش می‌خواندم و از او گزاره‌کردنش را می‌خواستم. او به خوبی از پس گزاره‌کردن آن برمی‌آمد که نشان‌دهنده‌ی توانایی‌اش در شرح آن و پژوهشگری ریزبینانه‌ی او در معانی آن است. او گزاره‌ی خودش را با کوتاه‌گویی به همراه بهترین عبارتها و کامل‌ترین معنی بازگو می‌کرد، بی‌گمان هیچ کس همانندش نه جسارت نه توانایی آن را داشت. سپس گزاره‌ی خودش را بی‌کم و کاست به بهترین گونه‌ی آرایه می‌داد و پس از آن یادداشت‌های جالینوس را در ارتباط با سخن بقراط در آن بخش یاد می‌کرد و هنگامی که به کتاب شرح

<sup>۱</sup> همان جا ۷۲۸ - ۷۳۶.

<sup>۲</sup> همان جا ۶۹۷ - ۶۹۹.

<sup>۳</sup> همان جا ۶۱۴ - ۶۲۸؛ برگردان ذاکر، ج ۳، ۱۰۶۷.

<sup>۴</sup> عیون الأنباء، ابن‌اصیبعه، احمد، بیروت، ۱۳۷۶ ق، ج ۳، ۲۲۱، ۳۱۸ - ۳۱۹، ۳۹۵.

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء

جالینوس در آن باره نگاه می‌انداختم، می‌دیدم یعقوب نصرانی همه سخن جالینوس را در سخنانش بازگو کرده است و چه بسا بیشتر واژه‌های نوشته شده در کتاب را بی‌کم و کاست بر زبان رانده است و این نشان از یکتا بودن او در شناخت کتاب‌های جالینوس میان هم‌روزگاران‌ش است.<sup>۱</sup>

### رضی‌الدین رحبی (۵۳۴ - ۶۳۱ ق / ۱۱۳۹ - ۱۲۳۳ م)

**گوید:** من در سال ۶۲۳ ق / ۱۲۲۶ م نزد رحبی کتابی در پزشکی خواندم که در برگیرنده بخش کاربردی دیدگاه‌های بوبکر محمد فرزند زکریا رازی و جز آن بود و از او بسیار بهره بردم.<sup>۲</sup>

### ضیاء‌الدین ابن بیطار (د: ۶۴۷ ق / ۱۲۴۹ م)

ضیاء‌الدین ابومحمد عبدالله فرزند احمد مالقی نباتی [گیاه‌شناس] که به ابن بیطار شناخته می‌شود. حکیم بزرگ و دانشمند یگانه روزگار و اندیشمند زمانش در شناخت گیاهان و پژوهش و بررسی آن‌ها از نظر رستنگاه و نامشان و گوناگونی آن‌ها است.

**گوید:** نخستین بار در سال ۶۳۳ ق [۱۲۳۶ م] او را در دمشق دیدم که او را بسیار خوش‌مجلس و بزرگ‌منش و نیکوتبار و خوش‌اخلاق و با درایت و دانایی و بخشندگی بیش از اندازه توصیف کردن، دیدم.

او در پیرامون دمشق کشتزاری از گیاهان گوناگون داشت که آن را دیدم و در نزدش تفسیر لأسماء الأدوية المفردة لکتاب دیسکوریدوس / گزاره نام داروهای تکی کتاب دیسکوریدوس را فراگرفتم که نشان دهنده دانش و فهم و دانایی بسیار بالا او در

<sup>۱</sup> عیون، برگردان ذاکر، ج ۳، ۱۱۷۶ - ۱۱۷۹.

<sup>۲</sup> رضی‌الدین رحبی (۵۳۴ - ۶۳۱ ق / ۱۱۳۹ - ۱۲۳۳ م)، نک: تاریخ مختصر الدول، ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج فرزند اهرن ملطی، پژوهش صالحانی، بیروت، ۱۸۹۰ م، برگه ۲۱۷؛ همو تاریخ مختصر الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ ش. برگه ۳۰۲ - ۳۰۳؛ عیون الأنبياء في طبقات الأطباء، ابن‌ابی‌اصیبه، پژوهش نزار رضا، بیروت، دارمکتبه الحیات، ۱۳۷۶ ق. برگه ۶۷۲ - ۶۷۵؛ برگردان ذاکر، ج ۳، ۱۲۳۳ - ۱۲۳۷.

دانش گیاه‌شناسی بود. کتاب‌های گوناگون نوشته شده در داروهای تکی، مانند: کتاب دیسکوریدوس و جالینوس و غافقی<sup>۱</sup> و دیگر کتاب‌های ارزشمند در این زمینه را خواندم.

او همواره گفته‌های دیسکوریدوس را با نام یونانی آن که در سرزمین روم تصحیح کرده بود می‌آورد، سپس بخشی از گفته‌های دیسکوریدوس درباره نام و صفات و کارکرد آن‌ها را می‌آورد.

هم‌چنین گفته‌های جالینوس را درباره صفات و آمیزه [مزاج] و کارکرد و دیگر گزاره‌های وابسته به هر یک از داروهای تکی را بازگو می‌نمود.

هم‌چنین از دانشمندان پس از ایشان و آن چه مورد اختلاف میانشان است و جایگاه‌هایی که به نادرستی در باره صفات برخی از داروها آمده است را یاد می‌نماید. من آن کتاب‌ها را با او می‌خواندم و می‌دیدم از هیچ چیزی گذر نمی‌کند و شگفت‌زده از آن می‌شدم که دارویی را یادداشت نمی‌کرد، مگر درست و کامل آن چه نوشته شده در کتاب دیسکوریدوس و جالینوس بود و این که آن‌ها، آن را در شمار چه داروهایی یاد کرده‌اند<sup>۲</sup>.

**گوید:** همواره به همراه ابن‌بیطار برای جستجو و بررسی گیاهان دارویی به دشت و کوه‌های پیرامون دمشق می‌رفت و گیاهان فراوانی را با کمک او شناخته و گردآوری می‌کرده است.

### مهذب‌الدین دخوار عبدالرحیم فرزند علی (د: ۶۲۸ ق / ۱۲۳۱ م)

**ابن‌ابی‌اصیبعه گوید:** آموزگارمان و پیشوای بزرگ ما، دانشمند فرزانه مهذب‌الدین دخوار ابومحمد عبدالرحیم فرزند علی فرزند حامد، با آوازه دخوار - خدایش بیامرزد - یگانه زمان و بی‌همتای دورانش و اندیشمندترین روزگارش بود.

<sup>۱</sup> غافقی ابوجعفر احمد فرزند محمد فرزند سید (۴۹۴ - ۵۶۰ هـ)، یکی از بزرگان دانش و حکیمان اندلس بود. او در بخش گیاه‌شناسی فرزانه و بلندآوازه بود و کتابی به نام کتاب فی الأدوية المفردة در این رشته نوشت. ابن‌بیطار از او در کتاب الجامع فی الأدوية المفردة خود از او بسیار یاد می‌کند (اعلام زرکلی، ج ۱، ۲۱۵؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ۱۴۲).

<sup>۲</sup> عیون، برگردان ذاکر، ج ۲، ۹۹۵ - ۹۹۷.



## آموزش پزشکی ابن ابی‌اصیبه در دامان مذهب‌الدین دخوار

ابن ابی‌اصیبه گوید: روزی مذهب‌الدین دخوار را دیدم که به بالین بیماری تب‌دار آمد که به تب سوزان<sup>۱</sup> گرفتار شده بود. پیشابش بسیار تند و تیز نشان می‌داد.

توانایی او را سنجید پس از آن دستور داد که برای او در کاسه، مقداری کافور که برایش در دستور معین کرده بود، بیاورند تا بیمار آن را بنوشد و چیز دیگری نخورد و فردا که آمدیم آن بیمار را دیدیم که تب‌اش از بین رفته و در پیشابش او خبری از تندی و تیزی نبود.

هم‌چنین او برای درمان بیمارانی که خلط سودایی؛ یا صفراوی ایشان افزایش یافته و برای کسانی که دچار بیماری به نام مانیا<sup>۲</sup> شده‌اند که همان جنون سبعی<sup>۳</sup> است، همین دارو درمانی را پیشنهاد می‌داد.

گوید: باید اندکی تریاک در آب جو بریزند و در زمان تشنه‌شدن به بیمار بدهند که آن مرد پس از نوشیدن بهبود پیدا کرد و بیماریش از میان رفت.

روزی مذهب‌الدین دخوار را در سالن بیماران تب‌دار دیدم و سر بیماری ایستادم و پزشکان نبض او را گرفتند و گفتند: او سستی دارد که باید خورشتی از جوجه به او داده شود تا نیرو گیرد.

<sup>۱</sup> تب سوزان (متن - حمى المحرقة): تب سوزان، تب پیوسته و خیلی گرم که پزشکان به آن تب محرقة یا سوزان گویند. *Burning fever*; *hyperpyrexia* (قاموس). تب محرقة: حرارت این لازم بود از اندرون سوزان تر از بیرون باشد و تشنگی عظیم و زبان درشت و سیاه بود (یادگار، ۱۷۲).

<sup>۲</sup> مانیا: *Manic/ Mania/ Manie* جنون یا دیوانگی همراه با غضب و اذیت (تطبیق فرهنگ، ۶۵). امروزه هم به همین نام شناخته می‌شود. نکته جالب توجه این است که کلمه «مانیا» عیناً در متن عربی آمده و تعریف رازی کاملاً منطبق بر تعاریف امروزی از این بیماری است و مورد تأیید کتب روان‌پزشکی می‌باشد. اصل لغت *Mania* یونانی است و مانند بسیاری از نام‌های بیماری خاص از یونانی به عربی برگردانده شده یا عیناً به کار برده شده است (الحاوی ف، ۱، ۲۰۵).

<sup>۳</sup> جُنُون سَبْعِي: *Ferocious mania; acute mania*; مانیا - جنون همراه با غضب و اذیت این کلمه لفظ یونانی است (تطبیق فرهنگ، ۶۵).

**مذهب‌الدین دخوار به او نگاه کرد و گفت:** حرف زدن و نگاه کردن چشمانش ناتوانیش را نشان می‌دهد، سپس نخست نبض دست راست و پس از آن نبض دست چپش را گرفت.

**ما را گفت:** نبض دست چپش را بگیرید، ما نبض بیمار را گرفتیم و جهندگی آن را نیرومند یافتیم.

**گفت:** اکنون نبض دست راست را بررسی کنید که چگونه نزدیک استخوان باریکش (کوع) رگ جهنده به دو بخش جدا می‌شود و یکی می‌ماند که جهندگی نبض دارد و دیگر آرام دیده می‌شود که در بالای زند است و امتداد آن به بخش انگشتان می‌رسد؛ بنابراین، ما حقیقت نداشتن جهندگی نبض بیمار را یافتیم.

**سپس گفت:** اندکی از مردم دارای این گونه نبض هستند و بیشتر پزشکان آن را اشتباه می‌گیرند و باور دارند به این که جهندگی نبض بیمار سست است، چون که بخشی از آن شاخه است که نیمی از رگ است؛ بنابراین، نتیجه می‌گیرند نبض ناتوان است.

رضی‌الدین رحبی نیز در همان زمان در بیمارستان کار می‌کرد که یکی از بزرگترین پزشکان از نظر سنی و جایگاه و ارزش و بزرگترین و پرآوازه‌ترین ایشان بود و بر سکویی می‌نشست و برای کسانی که به بیمارستان می‌آمدند از او برگه‌هایی [نسخه دارویی] می‌گرفتند که در آن دارو برایشان نوشته بود. آنان با این برگه‌ها از بیمارستان شربت‌ها و داروهای نوشته شده او را می‌گرفتند.

همواره حکیم مذهب‌الدین دخوار و حکیم عمران اسرایلی پس از پایان یافتن تیمارگری و درمان بیماران بستری شده در بیمارستان که من نیز در کنار آن‌ها بودم، به همراه رضی‌الدین رحبی نشستی می‌گذاشتیم و چگونگی استدلالش را برای شناخت بیماری‌ها گوش فرامی‌دادم و هر آن چه که برای بیماران گزاره می‌کرد و می‌نوشت را می‌دیدم و می‌شنیدم و در بسیاری از بیماری‌ها و درمانشان با او گفتگو می‌کردم؛ البته این نشست‌ها میان بزرگان دانش پزشکی از آغاز بنیادگذاشتن بیمارستان بزرگ تا امروز همیشه بوده است.

مذهب‌الدین دخوار خدایش بیامزاد زمانی که کارش در بیمارستان به پایان می‌رسید به درمان بیماری بزرگان دولت و دیگران می‌پرداخت، سپس به خانه‌اش باز می‌گشت پس از آن بخواندن و درس دادن و پژوهش می‌پرداخت و نوشتن نیز بخشی از کارش می‌بود و زمانی که خواندن و نوشتنش به پایان می‌رسید، اجازت دیدار به پزشکان و دانشجویان می‌داد. هر کدام درسشان را

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبه از عیون  
الأنباء

می خواندند و گفتگو می کردند و هرکس به اندازه توانش آن را می فهمید و اگر جایی بود که نیاز به گزاره بیشتر بود؛ و یا اگر در آن اشکالی بود و نیاز به نوشتن داشت در آن با شاگردان برجسته به گفتگو می نشستند.

همگی نسخه کتابی را که یک دانشجو می خواند در دست داشتند که به آن نگاه کنند و برابری خوانی می نمودند و اگر در نسخه‌ای که خوانده می شد، نادرستی واژه یا عبارت پیش می آمد، دستور بهسازی و درست‌نویسی آن را می داد نسخه‌های که مذهب‌الدین دخواار که برایش خوانده می شد، بسیار درست‌نویسی شده بودند و بیشتر آن‌ها به خط خودش بود، هرگز از کتاب‌های پزشکی که به آن‌ها نیاز داشت و از کتاب‌های واژه‌شناسی کتاب الصحاح جوهری و کتاب المجلد ابن فارس<sup>۱</sup> و کتاب النبات ابوحنیفه دینوری، جدا نمی شد<sup>۲</sup>.

### شیخ سدید فرزند ابوالبیان اسرایلی (ز: ۶۳۰ ق / ۱۲۳۳ م)

او سدیدالدین ابوالفضل داود فرزند ابوالبیان سلیمان فرزند ابوالفرج اسرایلی فرزند ابوطیب سلیمان فرزند مبارک اسرایلی پارسا و خوش‌خوان است که در سال ۵۵۰ هـ ق [۱۱۵۵ م] در قاهره زاده شد. او پیری پژوهشگر در هنر پزشکی بود و در آن بسیار ژرف نگر بود و در دانش و هنرش بسیار کاردان و برجسته بود و در شناخت داروهای تکی و ترکیبی یکتا و بسیار آگاه بود. من [ابن ابی اصیبعه] شیوه او را در درمان بیماران در بیمارستان ناصری در قاهره دیدم که نمایشگر شناخت درست او از بیماری‌ها و چگونگی درمانشان و آگاهی بالای او از گفته‌های جالینوس بود که سخن از گزاره کردنش ناتوان خواهد شد.

<sup>۱</sup> احمد فرزند فارس فرزند زکریا قزوینی با کنیت ابوالحسین (۳۲۹ - ۳۹۵ ق / ۹۴۱ - ۱۰۰۴ م) تباری قزوینی دارد و در همدان روزگاری را گذراند سپس به ری رفت و در همان جا درگذشت. واژه‌شناس و ادیب در مکتب کوفیان بود. او در جایی پیرامون کبرسف و جیانابان که دوروستای از رستاق زهرا هستند، چشم به جهان گشود و در سال ۳۹۵ ق / ۱۰۰۴ م در ری از دنیا رفت. کتاب المجلد في اللغة پراوازه‌ترین کتاب اوست. هم‌چنین مقایسه اللغة و جامع التأویل در تفسیر قرآن و در چهار جلد و نیروز و تمام الفصیح و متخیر الألفاظ و فقه اللغة و جز آن، نوشته‌های اوی به شمار می‌آیند. (اعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۴)

<sup>۲</sup> عیون، برگردان ذاکر، ج ۳، ۱۲۱۸ - ۱۲۳۰.

او تواناترین پزشک زمانه اش در ترکیب و ساخت داروها و شناخت اندازه‌ها و پیمانه‌ها بود، به گونه‌ای که برخی از مردم با بیماری‌های کمیاب به نزدش می‌آمدند و او برپایه نیاز آن بیمار قرص و پودر و نوشیدنی و جز آن را در جا با دقت فراوان می‌ساخت و به آن‌ها می‌داد.<sup>۱</sup>

آمادگی بسیار و هوش سرشار و دل‌بستگی ابن‌ابی‌اصیبه به رشته پزشکی، انگیزه‌ای شد تا در زمانی کوتاه به کارآزمودگی بسنده‌ای در زمینه شناخت و درمان بیماری‌ها دست یابد و در بیمارستان نوری به کار درمانگری و آموزش بپردازد.<sup>۲</sup> هم‌چنین به سال ۶۳۱ ق / ۱۲۳۴ م<sup>۳</sup> در بیمارستان ناصری قاهره به آموزش پزشکی و درمان بیماران روی آورد<sup>۴</sup> و در آن جا افزون بر بهره‌مندی از دانش و کارآزمودگی شیخ سدیدالدین فرزند ابوالبیان اسرایلی با او در گردآوری داده‌های کتاب اقرابادین همکاری نمود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> عیون، برگردان ذاکر، ج ۲، ۹۶۷ - ۹۶۹.

<sup>۲</sup> عیون، امرؤالقیس، ج ۳، ۳۹۵ - ۳۹۷.

<sup>۳</sup> ابن‌ابی‌اصیبه در سال ۶۳۴ ق به مصر آمد و یک سال در آن جا به کارهای پزشکی پرداخت. (أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸)

<sup>۴</sup> عیون، امرؤالقیس، ج ۳، ۱۹۶؛ برگردان ذاکر، ج ۲، ۹۶۷.

*GAL; M O ller, August, X Arabische Quellen Zur Geschichte der indischen Medizin n , ZDMG, 1880, I/397-398*

<sup>۵</sup> ابن‌ابی‌اصیبه، احمد، عیون الأنباء، نزار رضا، ۵۸۴؛ برگردان ذاکر، ج ۲، ۹۶۷.

ابن ابی‌اصیبعه در سال ۶۳۲ ق / ۱۲۳۵ م دوباره به بیمارستان نوری دمشق بازگشت سپس در سال ۶۳۴ ق / ۱۲۳۷ م پزشک ویژه امیر آی ایبک عزالدین آیدمور فرزند علی، به سرحد رفت ۳۴ سال در آن جا بزیست و به درمان بیماران و تألیف کتب مشغول بود تا این که در سال ۶۶۸ ق / ۱۲۷۰ م<sup>۱</sup> در شهر سرحد از کارگذاری‌های حوران در سرزمین سوریه دیده از جهان فرو بست.<sup>۲</sup> اسامه عانوتی در سال ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م / ۱۳۵۴ خ کتابی با نام ابن ابی‌اصیبعه، تعریف و تقویم، درباره موفق‌الدین ابن ابی‌اصیبعه نگاشت.<sup>۳</sup>

### نگاشته‌های ابن ابی‌اصیبعه

#### عیون الأنباء في طبقات الأطباء

نک: کشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ۱۱۸۵؛ هدیه العارفين، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.

#### إصابات المنجمين

إصابة المنجمين: نک: هدیه العارفين، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.

#### حکایات الأطباء في علاجات الأدواء

هدیه العارفين، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.

<sup>۱</sup> تاریخ‌نگاران درگذشت ابن ابی‌اصیبعه را در تاریخ ۶۶۸ ق / ۱۲۷۰ م یاد می‌کنند و از آن جایی که موفق‌الدین یعقوب سامری در تاریخ ۶۸۱ ق و ابن قُف ابوالفرج در ۶۸۵ ق / ۱۲۸۶ م چشم از جهان فرو بسته‌اند؛ بنابراین، یادداشت چنین تاریخی برای این دو پزشک در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء نمی‌تواند از آن ابن ابی‌اصیبعه باشد. از این رو، نوشتن این دو تاریخ یا پس از مرگش به دست رونویس‌کنندگان کتاب انجام گرفته است و یا تاریخ درگذشت ابن ابی‌اصیبعه پس از ۶۸۵ ق بوده است که می‌توان گمان داشت، تاریخ ۶۸۶ ق / ۱۲۸۷ م بوده باشد که جای یکان و دهگان جابجا شده است و یا پیوست‌هایی که برخی از شاگردانش و یا رونویس‌کنندگان پس از مرگش بر آن افزوده‌اند.

<sup>۲</sup> نلینو، کارلو، علم الفلك و تاریخه عندالعرب في القرون الوسطی، رم، ۱۹۱۱ م، برگه ۶۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.

<sup>۳</sup> ابن ابی‌اصیبعه، تعریف و تقویم، اسامه عانوتی، بیروت، دارالفنایس، ۱۳۹۵ ق.

خاندان و تبار ابن ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء

دکتر محمد ابراهیم  
ذکر

## التجارب و الفوائد

ابن ابی اصیبعه درباره حکیم اوحدالدین عمران فرزند صدقه اسرایلی در سال ۵۶۱ ق / ۱۱۶۶ م گوید: درمان بسیاری از بیماری‌های دیرپا را از او دیدم، به گونه‌ای بود که بیمارش دل‌زده از زندگی شده بود و پزشکان از درمانش نومید شده بودند، ولی او با داروهایی شگفت‌آور و با شیوه‌های بی‌همتای درمانی، تندرستی به آنان می‌داد. برخی از این رویدادها را در کتاب التجارب و الفوائد آورده‌ام<sup>۱</sup>.

## معالم الأمم و أخبار ذوی الحکم

نک: عیون الأنبياء، نزار رضا، ۸؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸؛ هدية العارفين، ج ۱، ۹۶.

أدوية المركبة

نک: ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲.

تلویحات

سه دست‌نوشته از آن در کتابخانه احمد ثالث ترکیه به شماره ۲/۳۲۱۷ و ۲/۳۲۶۶ و ۲/۳۲۵۲ و در کتابخانه راغب پاشا به شماره ۲/۱۴۸۰ نگاه‌داری می‌شود. (معجم التاريخ التراث الاسلامی في مكتبات العالم، مخطوطات - مطبوعات، علی رضا قره بلوط - احمد طوران قره بلوط، جزویکم از شش جزو، ص ۳۹۱، دارالعقبه، قیصری - ترکیه، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م، برگه ۳۹۱)

<sup>۱</sup> عیون الأنبياء، ابن ابی اصیبعه، احمد، نزار رضا ۶۹۷؛ برگردان ذاکر، ج ۳، ۱۱۷۵؛ هدية العارفين، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ [التجارب و الفوائد] أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنبياء

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنباء

۲۱

ذکر  
دکتر محمد ابراهیم

1. Jamal J. Elias, "The Sufi Lords of Bahrabad: Sad al-Din and Sadr al-Din Hamuwayi," *Iranian Studies*, 27 i. iv (1994, 1995), pp, 53- 75.

*GAL; M O ller, August, X Arabische Quellen Zur Geschichte der indischen Medizin n , ZDMG, 1880, I/397-398*

ابن ابی اصیبعه، تعریف و تقویم، اسامه عانوتی، دارالنفائس، بیروت، ۱۳۹۵ق/ ۱۹۷۵م.

الأبنية عن الحقائق الأدوية يا روضة الأنس و منفعة النفس، موفق الدين ابومنصور على هروی (ز: ۳۵۰ق) پژوهش احمد بهمنیار و حسین محبوبی اردکانی، چ. تهران، ۱۳۴۶خ.

احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶ تا ۸۹۵ق)، عبدالاول نیشابوری، به کوشش عارف نوشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۱خ، ۸۶۰ برگه.

اختیارات بدیعی، زین الدین علی انصاری شیرازی فرزند حسین (۷۲۹-۸۰۶ق) به کوشش دکتر محمدتقی میر، چ. شرکت دارویی پخش رازی، تهران، ۱۳۷۱خ.

أدوية المركبة، ابن ابی اصیبعه، موفق الدين ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵ - ۶۶۸ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰م)، نک: ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲.

الأدوية المفردة، جالینوس (۱۲۹ - ۲۰۰م).

الأدوية المفردة، دیاسکوریدوس، دیسکوریدوس (سده یکم م)، ترجمه به عربی استفانوس فرزند باسیلیوس.

الأدوية المفردة، غافقی ابوجعفر احمد فرزند محمد فرزند احمد فرزند سید (خلید) غافقی (۴۹۴ - ۵۶۰ق / ۱۱۰۱ - ۱۱۶۵م).



- إصابات المنجمين، إصابة المنجمين، ابن ابی اصیبعه، موفق‌الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزرچی (۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، نک: هدیه العارفين، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.
- أعلام قاموس الرجال لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المسشرقین، خیرالدین زرکلی (۱۸۹۳-۱۹۶۴ م)، چاپ دوم، چاپخانه کوستانتسوماس و شرکا، ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۴ م.
- أغراض الطيبة و المباحث العلايية، زين الدين ابوالفضائل سيد اسماعيل فرزند حسين جرجانی (۴۳۴ - ۵۳۵ ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰ م)، پژوهش حسن تاج‌بخش، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ خ.
- اقربادین، شیخ سدید اسرایلی (ز: ۶۳۰ ق / ۱۲۳۳ م) سدیدالدین ابوالفضل داود فرزند ابوالبیان سلیمان فرزند ابوالفرج اسراییل فرزند ابوطیب سلیمان فرزند مبارک اسرایلی.
- انتقاد کتاب کشف الحقائق، محمدتقی دانش‌پژوه، فرهنگ ایران‌زمین، ج ۱۳، تهران، ۱۳۴۴ خ.
- بحر الجواهر في حلّ لغات السائر، محمد هروی فرزند یوسف (ز: ۹۳۸ ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۸۸ ق؛ دیگر: مؤسسه احیاء طب طبیعی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، قم، ۱۳۸۷ خ.
- تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، شمس‌الدین محمد فرزند احمد ذهبی، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م.
- تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام (کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران)، احمد عیسی‌بک، برگردان نورالله کسای، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران [انتشارات علمی و فرهنگی]، تهران، ۱۳۷۱ خ.
- تاریخ بیمارستان‌ها در ایران (از سال ۵۵۰ تا ۱۹۵۰ م)، ویلم فلور، ترجمه ایرج نبی‌پور، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، ۱۳۹۳ خ.
- تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر)، حسن تاج‌بخش، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، بیست + ۳۸۲ برگه.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنباء

- تاریخ حکماء الإسلام؛ یا تنمة صوان الحکمة، ابن فندُق، ظهیرالدین ابوالحسن علی فرزند ابوالقاسم زید بیهقی (۴۹۹ - ۵۶۵ ق / ۱۰۹۷ - ۱۱۶۹ م)، ج. لاهور، ۱۳۵۹ ق؛ دیگر: تحقیق محمد کردعلی، مطبوعات المجمع العلمی العربی بدمشق، مطبعة العربی، دمشق، ۱۹۴۶ م؛ دیگر: ترجمه فارسی آن درة الأخبار، منشی یزدی، ج. تهران ۱۳۱۸ خ.
- تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران (دوران اسلامی)، جلد دوم، حسن تاجبخش، سازمان دامپزشکی کشور، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ خ، ۸۲۸ برگه.
- تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران (دوران باستان)، جلد یکم، حسن تاجبخش، سازمان دامپزشکی کشور، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ خ، ۴۷۰ برگه.
- تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد فرزند حسن (تألیف ۶۱۳ ق) + اولیاءالله آملی (تألیف ۷۶۰ ق)، تصحیح و مقدمه نگاری عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۰ خ، دو جلد.
- تاریخ گزیده (نگارش: ۷۳۰ ق / ۱۳۳۰ م)، حمدالله مستوفی فرزند تاجالدین ابوبکر فرزند حمد فرزند نصر قزوینی (۶۸۰ - ۷۵۰ ق / ۱۲۸۱ - ۱۳۵۰ م) ج. بارباریه دومنار، ۱۸۵۷ م؛ دیگر: ج. ادوارد براون، گیب، لندن، لوراک، ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰ م / ۱۲۸۸ خ؛ به کوشش عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ خ.
- تاریخ مختصر الدول، ابن عبری، ابوفرغ غریغوریوس، پژوهش انتوان صالحانی، بیروت، ۱۸۹۰ م؛ دارالشرق، چاپ سوم، بیروت، ۱۹۹۲ م؛ ترجمه دکتر محمدعلی تاجپور و حشمت‌الله ریاضی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴ ش؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ خ.
- تاریخ مختصرالدول، ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج فرزند اهرن ملطی، پژوهش صالحانی، بیروت، ۱۸۹۰ م.
- تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ایگناتی یولیانوویچ، کراچکوفسکی، ترجمه ابو القاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹ خ؛
- تاریخ نیشابور، ابو عبدالله حاکم نیشابوری، برگردان محمد فرزند حسین خلیفه نیشابوری، حسن فرزند عمر فرزند حسن فرزند عمر فرزند حبیب، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۷۵ خ.

- التجارب و الفوائد، ابن ابی اصیبعه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، نک: عیون الأنباء، ابن ابی اصیبعه، احمد، نزار رضا ۶۹۷؛ برگردان ذاکر، ج ۳، ۱۱۷۵؛ هدیة العارفين، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ [التجارب و الفوائد] أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.
- التحیر فی المعجم الكبير، ابوسعید عبدالکریم سمعانی، به کوشش منیره ناجی سالم، بغداد، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م.
- تُحْفَةُ النُّظَارِ فِي غَرَائِبِ الْأَمْصَارِ وَ عَجَائِبِ الْأَسْفَارِ (نگارش: ۷۲۵ - ۷۲۹ ق / ۱۳۲۵ - ۱۳۵۴ م)، رحلة ابن بطوطة، ابن بطوطة ابوعبدالله محمد فرزند عبدالله فرزند محمد فرزند ابراهیم لواتی طنجی (۷۰۳ - ۷۷۰ ق)، چ. پاریس، ۱۸۵۳ - ۱۸۵۸؛ دیگر: چاپ فؤاد افرام بستانی، ۱۹۲۷ م؛ دیگر چاپ علی منتصر کتانی در سال ۱۹۷۲ م؛ دیگر تحقیق عبدالهادی التازی، چاپ فاس، مغرب، ۱۹۹۷ م، پنج جلد، ۱۵۴۹ برگه.
- تحفه حکیم مؤمن؛ یا تحفه المؤمنین، محمدمؤمن طبیب فرزند محمدمزمان حسینی (د ۹۲۳ ق)، پیشگفتار دکتر نجم آبادی، چ. تهران، ۱۳۳۸ خ؛ (تحفه) + چاپ مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی - پژوهش رحیمی و اردکانی و فرجامند، ۱۳۸۶ خ (تحفه ن).
- تذكرة النبيه في أيام المنصور و بنیه، حسن بن عمر بن حسن بن عمر بن حبيب (۷۱۰ - ۷۷۹ ق)، تحقیق محمد محمدامین و عبدالفتاح عاشور سعید، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۸۲ م.
- تذكرة أولى الألباب و الجامع للعجب العجاب، داود فرزند عمر انطاکی، مكتبة الثقافية، بیروت؛ چاپخانه اظهريه، ۱۳۲۴ ق.
- تطبيق فرهنگ اصطلاحات شایع پزشکی در طب سنتی با فرهنگ اصطلاحات پزشکی در طب نوین (پزشکی جدید) دکتر نبی الله رنجبر، استاد راهنما محمد حسن خسروی، بندر عباس - ۱۳۷۸ خ (رنجبر)
- تفسیر لأسماء الأدوية المفردة لكتاب ديسقوريدوس، كتاب تفسير أسماء الأدوية المفردة من كتاب ديسقوريدوس، ابن جلجل ابوداود سليمان فرزند حسان (ز: ۳۷۲ ق / ۹۸۲ م) نک: عیون برگردان ذاکر، ج ۲، ۸۳۰، ۹۹۵.
- تلوہات، ابن ابی اصیبعه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، نک: معجم التاريخ التراث الاسلامی في مكاتب العالم، مخطوطات - مطبوعات، علی رضا قره بلوط - احمد طوران قره بلوط، جزو یکم از شش جزو، ص ۳۹۱، دارالعقبه، قیصری - ترکیه، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م، برگه ۳۹۱.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنباء

جامع التأویل، ابن فارس، ابوالحسین احمد فرزند فارس فرزند زکریا قزوینی (۳۲۹ - ۳۹۵ ق / ۹۴۱ - ۱۰۰۴ م).  
الجامع في الأدوية المفردة، ابن بيطار، ضياء الدين ابو محمد عبدالله فرزند احمد مالقی نباتی (د: ۶۴۷ ق / ۱۲۴۹ م)  
چهل مجلس؛ یا رساله اقبالیه، احمد فرزند محمد بیابانکی علاءالدوله سمنانی، امیر اقبال شاه فرزند سابق سجستانی، به  
کوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۶۶ خ.

حبیب السیر في أخبار أفراد البشر (نگارش: ۹۳۰ ق)، غیاث‌الدین خواندمیر فرزند همام‌الدین (۸۸۰ - ۹۴۱ ق)، چ. سنگی،  
بمئی، ۱۲۶۳ ق؛ دیگر: چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۲ ق؛ دیگر: کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۳۳ خ، چهار جلد؛ دیگر: مقدمه  
جلال‌الدین همایی و فهرست هر جلد از محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۳، چهار جلد.

حکایات الأطباء في علاجات الأدوية، ابن‌ابی‌اصیبعه، موفق‌الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس  
سعدی خزر جی (۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، هدیه العارفین، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱،  
۱۸۸.

خاندان سعدالدین حمویه، سعید نفیسی، کنجکاو‌های علمی و ادبی، تهران ۱۳۲۹ خ.  
خسرونامه، فریدالدین ابوحامد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ ق / ۱۱۴۶ - ۱۲۲۱ م)، تصحیح احمد  
سهیلی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۵۵ خ؛ دیگر: مؤسسه فرهنگی اندیشه در گستر، تهران، ۱۳۸۲ خ.

درآمدی بر تاریخ‌نگاری پزشکی، مقدمه کتاب ردیابی عیون الأنباء في طبقات الأطباء، ابن‌ابی‌اصیبعه، موفق‌الدین ابوالعباس  
احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، چ. انجمن گیاه‌درمانی،  
۱۳۹۳ خ، پژوهش و برگردان به پارسی، محمد ابراهیم ذاکر.

درباره سکینه الصالحین، سعدالدین حمویه (۵۸۶ - ۶۴۹ ق)، به کوشش محمد کاظم رحمتی.  
الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، ابن حجر عسقلانی، احمد فرزند حجر، به کوشش محمد سید جادالحق، قاهره،  
۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م.

دنباله جستجو در تصوف ایران، عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵ خ.

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء

الذخيرة في الطب را برای سلطان علاء‌الدین تکش خوارزمی به سال ۵۰۴ ق نوشت. هر دو از لیسید الامیر المرتضی زین الدین تاج العترة أبي إبراهيم إسماعيل بن الحسين بن الحسن الجرجاني المتوفى (۵۳۵) أو (۵۳۱) و به فارسی هستند. ذریعه، ج ۱۰، ۱۰، شماره ۵۳).

ذخيرة في علم الطب، ابوالحسن ثابت فرزند قره حرانی ((۲۲۱ - ۲۸۸ ق / ۸۲۶ - ۹۰۱ م)، قاهره، ۱۹۲۸، قطع رحلی؛ دارالکتب العلمية، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م.

ذخيرة في علم الطب، ثابت فرزند قره ((۲۲۱ - ۲۸۸ ق / ۸۳۶ - ۹۰۱ م)، کتابخانه سرای، احمد سوم ترکیه ۲۰۷۳ (۳۸ گ، سده ۷ ه، ناقص)،؛ کتابخانه شهید علی ترکیه ۲۰۲۸ (۹۵ گ، سده ۹ ه؛ بورس، خراچی ۱۱۱۷ (۱۲۹ گ، سده ۹ ه، نک: ریتر، در: Oriens، ۳ / ۱۹۵۰ م / ۸۵)؛ تهران، دانشگاه ۷۹۳۰ (۱۳۵ گ، سده ۱۱ ه؛ تهران، مجلس ۵۰۲ (۱۵۹ گ، نک: فهرست، ۲ / ۲۹۵).

ذخیره خوارزمشاهی اسماعیل جرجانی فرزند حسن (د ۵۳۱ ق) فکسیمی له به کوشش دانش پژوه، افشار، چ. تهران، ۱۳۴۴ خ. ← (ذخیره ف)، و چاپ پنج کتاب به کوشش دکتر محمد رضا محرری، فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۰ خ ← (ذخیره)

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي عشر، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس شورای ملی ایران، تهران، ۱۳۳۷ خ / ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م. ۲۰۴۲ شناسه کتاب از رساله آب حیات - الزائرية، ۳۴۶ برگه.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى و الغلول - ايوان مدائن، آقابزرگ الطهراني، محمد محسن نزيل سامراء (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق)، مطبعة الغري، نجف الأشرف، ۱۳۱۵ خ / ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م، ۲۰۴۵ کتاب از الأسارى و الغلول - ايوان مدائن، ۵۲۴ برگه.

ردیابی عیون الأنباء در کتابخانهها، مقدمه کتاب نوشته ابن ابی اصیبعه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، چ. انجمن گیاه‌درمانی، ۱۳۹۳ خ، پژوهش و برگردان به پارسی، محمد ابراهیم ذاکر.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنباء

رساله نبضیه، به کوشش مشکوة، چاپ تهران، ۱۳۱۷ خ.

ریحانة الأدب فی تراجم المعرفین باللکنیة أو اللقب، محمدعلی مدرس تبریزی، جلد یکم تا ششم، تهران، از ۱۳۶۹ ق / ۱۳۲۸ خ تا ۱۳۷۵ ق / ۱۳۳۳ خ.

زیست‌نامه ابن ابی اصیبعه تاریخ پزشکی نگار، مقدمه کتاب نوشته ابن ابی اصیبعه، موفق‌الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزرچی (۵۹۵-۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر، چ. انجمن گیاه‌درمانی، تهران، ۱۳۹۳ خ.

سجنجل الأرواح، صدرالدین حمویه فرزند صدرالدین ابراهیم فرزند سعدالدین ابوابراهیم محمد فرزند ابوالمفاخر معین‌الدین مؤید فرزند عبدالله فرزند ابوالحسن علی فرزند ابوعبدالله محمد فرزند حمویه فرزند محمد فرزند حمویه بحر / بحیرآبادی جوینی (۵۸۶ - ۶۵۰ ق / ۱۱۹۰ - ۱۲۵۲ م).

سفرنامه ابن بطوطه (رحلة ابن بطوطه)، ترجمه موحد، بنگاه علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱ خ.

سکینه الصالحین، صدرالدین حمویه فرزند صدرالدین ابراهیم فرزند سعدالدین ابوابراهیم محمد فرزند ابوالمفاخر معین‌الدین مؤید فرزند عبدالله فرزند ابوالحسن علی فرزند ابوعبدالله محمد فرزند حمویه فرزند محمد فرزند حمویه بحر / بحیرآبادی جوینی (۵۸۶ - ۶۵۰ ق / ۱۱۹۰ - ۱۲۵۲ م).

سیر اعلام النبلاء، شمس‌الدین محمد فرزند احمد فرزند عثمان فرزند قایماز ذهبی دمشقی شافعی (۶۷۳ - ۷۴۸ ق)، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م، ۲۳ جلد؛ دیگر: تحقیق نعیم عرقسوسی و مأمون صاغرچی، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ق؛ دیگر: دارالحدیث، قاهره، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، ۱۸ جلد.

سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان‌پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ.

صحاح اللغة، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، جوهری، ابونصر اسماعیل پسر حماد جوهری فارابی (د: ۳۹۳ ق)، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، چ. سوم، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۶ م، شش جلد.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنباء

الصلة بين التصوف و التشيع، النزعات الصوفية في التشيع من بعد عصر الأئمة حتى سقوط الدولة الصفوية، كامل مصطفى شيبی، دار الاندلس للطباعة و النشر و التوزيع بیروت، ج. سوم، ۱۹۸۲م.

صیدنة، ابوریحان بیرونی، پژوهش حکیم محمد سعید، رانا اجسان الهی، کراتشی، موسسه ملی همدرد، هند، ۱۹۷۳م؛ الصیدنة في الطب، ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ق)، محمد فرزند احمد، پژوهش عباس زریاب خوبی (۱۲۹۸ - ۱۳۷۳خ)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰خ؛ الصیدنة في الطب، داروشناسی پزشکی، بیرونی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، تهران، ۱۳۸۳خ؛ صیدنه، برگردان کاسانی، پژوهش استاد ایرج افشار، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی وابسته به دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷خ؛ الصیدنة في الطب، داروشناسی پزشکی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: نشر آثار، ۱۳۸۳خ.

طبقات الشافعية (نگارش: ۷۶۹ق)، آسنوی، جمال الدین عبدالرحیم فرزند حسن (۷۰۴ - ۷۷۲ق)، ج. جبوری، بغداد، ۱۹۷۱م؛ دیگر: تحقیق کمال یوسف حوت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م؛ دیگر: ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م.

طبقات الشافعية الكبرى، سُبکی، تاج الدین عبدالوهاب فرزند علی (د: ۷۷۱ق / ۱۳۷۰م)، تحقیق عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحی، داراحیاء الکتب العربیة، قاهره، ۱۹۷۱م.

علم الفلك و تاریخه عند العرب في القرون الوسطی، نلینو، کارلو، رم، ۱۹۱۱م.

عیون الأنباء في طبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه، پژوهش نزار رضا، بیروت، دارمکتبه الحیات. ۱۳۷۶ق.

عیون الأنباء في طبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه احمد خزر جی، چاپ سنگی، امرؤقیس فرزند طحان، قاهره، ۱۲۹۹ق؛ دانشگاه فرانکفورت، ۱۹۹۵م / ۱۴۱۶ق؛ پژوهش نزار رضا، بیروت، ۱۹۶۵؛ دارالثقافه، بیروت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م؛ برگردان محمدابراهیم ذاکر، انجمن گیاه درمانی، ۱۳۹۳.

عیون الأنباء في طبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵ - ۶۶۸ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰م)، نک: کشف الظنون عن أسامي الکتب و الفنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ۱۱۸۵؛ هدیة العارفین، ج ۱، ۹۶؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸.

خاندان و تبار ابن ابی اصیبعه از عیون  
الأنباء



عیون الأنبياء في طبقات الأطباء، ابن‌ابی‌اصیبعه، موفق‌الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزرچی (۵۹۵-۶۶۸ ق / ۱۱۹۹-۱۲۷۰ م)، پژوهش آگوست مولر (امرؤالقیس فرزند طحان)، چاپخانه وهبیه، قاهره، ۱۲۹۹ ق / ۱۸۸۲ م، ۲ جلد؛ دیگر: چاپ مصطفی افندی وهبی، چاپخانه وهبیه، قاهره ۱۳۰۰ ق؛ دیگر: تصحیح آگوست مولر، کونیگزبرگ، ۱۸۸۴ م، ۲ جلد؛ دیگر: پژوهش نزار رضا، دارمکتبه حیات، بیروت، ۱۹۶۵ م؛ دیگر: به کوشش فواد سزگین، فرانکفورت، معهد تاریخ العلوم العربیه و الاسلامیه، ۱۹۹۵ م؛ دیگر: تصحیح عامر نجار، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۹۶ م؛ دیگر: پژوهش محمد باسل عیون سود، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۸ م؛ برگردان به فارسی محمدابراهیم ذاکر، انجمن گیاه درمانی ایران، تهران، ۱۳۹۳ خ.

عیون الأنبياء، ابن‌اصیبعه، احمد، پژوهش امرؤالقیس، بیروت، ۱۳۷۶ ق،

عیون الأنبياء، نزار رضا، ابن‌ابی‌اصیبعه، احمد، ۵۸۴؛ برگردان ذاکر، ۲، ۹۶۷.

فردوس الحکمة في الطب، علی فرزند سهل ربن تبری (ز: ۲۳۶ ق)، پژوهش عبدالکریم سامی جندی، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲ م / ۱۴۲۳ ق؛ فردوس برگردان محمدابراهیم ذاکر و علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

فرهنگ آندراج محمد پادشاه «شاد» به کوشش محمد دبیر سیاقی، چ تهران، ۱۳۳۵ خ. ← (آندراج)

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۹، محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۰ خ؛

قاموس أعلام الرجال لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المسشرقین، خیرالدین زرکلی، چاپ دوم، چاپخانه کوستاتسوماس و شرکا، ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۴ م.

قاموس کتاب مقدس، ترجمه و تألیف جیمز هاکس، انتشارات اساطیر، چ. دوم، ۱۳۸۳ خ، ۱۰۰۸ برگه.

قرآن

کاشف الأسرار، عبدالرحمان اسفزاری، به کوشش هرمان لندولت، تهران، ۱۳۵۸ خ.

کتاب في الأدوية المفردة، غافقی ابوجعفر احمد فرزند محمد فرزند سید (۴۹۴ - ۵۶۰ ق)

المجمل في اللغة، ابن‌فارس، ابوالحسین احمد فرزند فارس فرزند زکریا قزوینی (۳۲۹ - ۳۹۵ ق / ۹۴۱ - ۱۰۰۴ م).

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنبياء



محبوب الأولیا، صدرالدین حمویه فرزند صدرالدین ابراهیم فرزند سعدالدین ابوالبراهیم محمد فرزند ابوالمفاخر معین‌الدین مؤید فرزند عبدالله فرزند ابوالحسن علی فرزند ابوعبدالله محمد فرزند حمویه فرزند محمد فرزند حمویه بحر / بحیرآبادی جوینی (۵۸۶ - ۶۵۰ ق / ۱۱۹۰ - ۱۲۵۲ م).

مصباح في التصوف، سعدالدین حمویه، به کوشش نجیب مایل هروی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۶۲ خ؛

مطرح الانظار في تراجم أطباء الأعصار و فلاسفة الأمصار، فیلسوف‌الدوله میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمدحسن مجتهد فرزند میرزا محمدکریم زنوزی تبریزی (۱۲۴۳ - ۱۳۲۰ خ)، تبریز، ۱۳۳۴ خ.

معالم الأمم و أخبار ذوی الحکم، ابن‌ابی‌اصیبعه، موفق‌الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزرگی (۵۹۵ - ۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، نک: عیون الأنباء، نزار رضا، ۸؛ ریحانة الأدب، ج ۵، ۲۱۲؛ أعلام زرکلی، ج ۱، ۱۸۸؛ هدیة العارفين، ج ۱، ۹۶.

معجم البلدان، یاقوت حموی (۵۷۴ - ۶۲۶) شهاب‌الدین ابوعبدالله فرزند عبدالله رومی، چاپ لایبزیگ (۱۸۷۳ - ۱۸۶۶ م)؛ افست تهران، ۱۹۶۵ م؛ برگردان دکتر علینقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، برگردان جلد اول تا پایان حرف الف، ۱۳۸۰ خ؛ جلد دوم تا پایان حرف "ز"، ۱۳۸۳ خ.

معجم البلدان، یاقوت حموی شهاب‌الدین ابوعبدالله فرزند عبدالله رومی (۵۷۴ - ۶۲۶ ق / ۱۱۷۹ - ۱۲۲۹ م)، چاپ لایبزیگ (۱۸۷۳ - ۱۸۶۶ م) افست تهران، ۱۹۶۵ م، برگردان به پارسی دکتر علی‌نقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پارسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰ خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳ خ به چاپ رسانید و امید به چاپ دیگر جلد‌های ترجمه شده آن. من [ذاکر] نزدیک به سه سال است که پیگیر چاپ مانده ترجمه دکتر منزوی بودم و در رفت‌وآمدها به پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی ترجمه کامل و چاپ نمونه آن را در حضور ریاست محترم آن مرکز آقای دکتر مسیب امیری دو بار دیدم. یک بار دی ماه ۱۴۰۰ به همراه دکتر حجت‌الحق حسینی و مهندس ارفعی در حضور ریاست برای یافتن راهی جهت چاپ آن بود که ریاست محترم تقاضای همراهی بنیاد و مرکزی جهت همیاری برای چاپ داشتند و بار دیگر به همراه دکتر اکبر ایرانی قمی ریاست مرکز پژوهشی میراث مکتوب وابسته به وزارت ارشاد، بنیادی دولتی

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء

ذاکر  
دکتر محمد ابراهیم

جهت اعلام همیاری برای چاپ کامل و دوباره آن با کمک میراث مکتوب بود که افسوس بازهم در محاق فراموشی قرار گرفت. شایان توجه است که پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری در سال ۱۳۹۶ خ شماره فیپا جدیدی برای چاپ یک دوره کامل آن شامل شش جلد از مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران گرفته بود که من آن را در شناسنامه چاپ نمونه دیدم و در ردیابی آن از کتابخانه برابرخوانی نیز کردم. امیدوارم شرایط مالی کشور بهبود یابد تا این اثر تاریخی از دانش جغرافیا که دربرگیرنده بخشی بزرگ از تاریخ علم ایران و جهان اسلام است، به زودی پخش گردد و در دسترس اندیشمندان این مرز و بوم و کشورهای پارسی‌زبان برسد.

معجم المؤلفین تراجم مصنفی الكتب العربية، عمر رضا كحاله فرزند محمد راغب فرزند عبدالغنی كحالة الدمشق (د: ۱۴۰۸ ق)، مكتبة المثنی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۶ ق، ۱۵ جلد.

معرفی و بررسی سکینه الصالحین تالیف سعدالدین حمویه (۵۸۶ - ۶۴۹ ق)، محمدکاظم رحمتی.

مفاتیح العلوم، خوارزمی، ابو عبدالله محمد فرزند احمد فرزند یوسف کاتب (ز: ۳۷۲ ق)، قاهره، ۱۳۴۲ ق؛ برگردان حسین خدیو جم، مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲ خ.

مفتاح الطب و منهج الطلاب، ابن هندو علی فرزند حسین (د: ۴۲۰ ق)، به کوشش دکتر محقق و دانش پژوه، چ تهران، ۱۳۶۸ خ. ← مفتاح.

مقایس اللغة، ابن فارس، ابوالحسین احمد فرزند فارس فرزند زکریا قزوینی (۳۲۹ - ۳۹۵ ق / ۹۴۱ - ۱۰۰۴ م).

منتخب ذخیره خوارزمشاهی، خفی علانی یا الخفیه العلائیه نامیده می‌شود. الذریعة، ج ۲۲، ۴۰۴، شماره ۷۶۳۲ برای الأمير إسفهسالار نصر الدین (بهاء الدین) محمد علاء الدولة ولیعهد أئسز الخوارزمشاه. نوشته شد. یادگار فی الطب، الذریعة، ج ۲۵، ۲۶۵.

المنصوري في الطب، ابوبکر محمد فرزند زکریا فرزند یحیی رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۶۵ - ۹۲۵ م)، تصحیح و تحقیق حازم بکری صدیقی، معهد المخطوطات العربیه، کویت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر، موزه تاریخ پزشکی ایران وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، ۱۳۸۷ خ.

خاندان و تبار ابن ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء

ذاکر  
دکتر محمدابراهیم

الموجز المفید فی علم الحساب، رشیدالدین ابوالحسن علی فرزند خلیفه فرزند یونس فرزند ابوالقاسم فرزند خلیفه خزر جی (۵۷۹ - ۶۱۶ ق / ۱۱۸۳ - ۱۲۱۹م)، چهار مقاله، آن را برای ملک امجد فرمانروای بعلبک در ماه صفر سال ۶۰۸ ق [ژولای ۱۲۱۱م] در اردوگاه نوشت.

مؤلفات ابن عربی: تأریخها و تصنفها، عثمان یحیی، برگردان احمد محمد طیب، دار الصابونی، الهيئة المصرية العامة للكتاب، دار الهدایة، ۱۴۱۳ ق / ۲۰۰۱م، ۷۳۶ برگه.

النبات، ابوحنیفه احمد پسر داود پسر وند دینوری (د: ۲۸۲ق)، انتشارات فزاتر اشتاینر (آلمان)، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴م، ۴۶۳ برگه؛ دیگر: دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ۱۳۸۷خ. نبضیه (رگ‌شناسی) ابن سینا به کوشش مشکوة، ۱۳۱۷خ،

النجوم الزاهرة فی أخبار ملوک مصر و قاهرة، ابوالمحاسن جمال‌الدین یوسف پسر تغری بردی اتابکی (۸۱۳ - ۸۷۴ق)، چاپ قاهره، ۱۳۴۸ - ۱۳۶۹ق؛ دیگر: تحقیق جمال محمد محرز، فهیم محمد شلتوت، ابراهیم علی طرخان و جمال‌الدین شیال، ۱۶ جلد، وزاره الثقافه و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة، ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲م.

نذر عارف (جشن نامه دکتر عارف نوشاهی)، به کوشش سعید شفیعیون - بهروز ایمانی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۱خ.

نسخه‌های اصل از سده نهم هجری، مریم تفضلی، مجله نسخه‌پژوهی، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۳، برگه ۲۹۱ - ۳۳۴.

نفحات الأنس من القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، به کوشش محمود عابدی، تهران، ۱۳۷۳خ.

الوافی بالوفیات، صلاح‌الدین خلیل فرزند ایبک صفدی، به کوشش دیدرینگ، وسپادن، دارالقلم، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۷۱م، ۷ جلد.

الوافی بالوفیات، وفيات الأعیان و أنباء الزمان، صلاح‌الدین ابوالصفاء خلیل فرزند ایبک فرزند عبدالله سیفی صفدی (۶۹۶ - ۷۶۴ق)، تحقیق هلموت ریتز *Hellmut Ritter* (۱۸۹۲ - ۱۹۷۱م)، دار النشر فرانز شتااینر، بیروت، ۱۴۰۱ق، ۲۲ جلد.

یادگار، زین‌الدین ابوالفضائل اسماعیل جرجانی فرزند حسن (۴۳۴ - ۵۳۱ق / ۱۰۴۰ - ۱۱۳۶م)، پژوهش مهدی محقق، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲خ.

خاندان و تبار ابن‌ابی‌اصیبعه از عیون  
الأنباء